



یاد

یادی از علامه محمدتقی جعفری



بار دیگر جهان اسلام و ایران اسلامی با از دست دادن متفکری بزرگ به ماتم نشست و بدین روی خسرانی عظیم بر پیکره فرهنگ این سرزمین وارد آمد. دفتر نشر میراث مکتوب فقدان این شخصیت علمی برجسته را به جهان اسلام تسلیت گفته و برای روح مطهرش طلب آموزش و علو درجات می نماید. این نوشتار تلخیصی است از دو فصل نخست کتاب تکاپو گرداننده ها به قلم دکتر عبدالله نصری.

استاد نیمی از روز را به کار می پرداخت و نیمی دیگر را به تحصیل در مدرسه طالبیه نزد سید حسن شریانی کتاب امثله و صرف میسر را شروع می کند؛ دروس سیوطی و مطول را نزد آقای اهری که در ادبیات بسیار قوی بود فرا

مرحوم استاد محمدتقی جعفری (قدس سره) در سال ۱۳۰۴ هـ.ش در تبریز دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در دبستان اعتماد آغاز می کرد. از آنجا که قبل از ورود به مدرسه نزد مادر مقداری درس خوانده بود و آمادگی بسیار برای ورود به کلاس بالاتر را داشت، ایشان را از کلاس اول به کلاس چهارم می برند. در این کلاس رتبه دوم را به دست می آورد. در سال بعد در کلاس پنجم به رتبه اول نایل می شود. متأسفانه در این هنگام به علت فقر مالی ناگزیر می شود تا مدرسه را رها کرده و برای امرار معاش مشغول کار شود.

می گیرد. در تبریز نیز مقداری فلسفه و منطق را می آموزد. پس از مدتی تحصیل در مدرسه طالبیه، استاد جهت ادامه تحصیل عازم تهران می شود.

در مدرسه مروی تهران مطالعه و تحصیل متن رسائل و مکاسب را پی می گیرد. همچنین برای تکمیل سطوح در درس مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا تنکابنی حاضر شده و از درس فیلسوف بزرگ عصر میرزا مهدی آشتیانی نیز که در مدرسه مروی تشکیل می شد، بهره های بسیار برد. استاد نزد ایشان به مدت دو سال

وی که از عدم ادامه تحصیل سخت ناراحت بود، یک شب در خواب با خود صحبت می کند و در حال خواب افسوس می خورد که چرا نمی تواند به تحصیلات خود ادامه دهد. پدر ایشان با توجه به ناراحتی فرزند خود راضی می شود که فرزندش در مدرسه طالبیه به درس ادامه دهد.

منظومه و مقداری از امور عامه اسفار را فرا می گیرد.

استاد پس از تحصیل در تهران، عازم قم می شود و در آنجا مدت یک سال به ادامه تحصیلات خود می پردازد. پس از یک سال اقامت در قم به تبریز می رود تا مادر خود را که مریض بوده ملاقات کند. اما با ورود به تبریز، خبر مرگ مادر را می شنود و این حادثه ایشان را سخت ناراحت می کند.

پس از مدت کوتاهی اقامت در تبریز استاد در سال ۱۳۲۷ هـ.ش به اصرار آیت الله میرزا فتاح شهیدی رهسپار نجف

چون استاد احساس می کند که برای اداره مساجد اشخاص بسیاری هستند، به کار تدریس و تحقیق و تألیف می پردازد.

در این ایام استاد با دانشگاهیان ارتباط برقرار می کند و همزمان، با شخصیت‌هایی چون استاد شهید مطهری و مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی به ایراد سخنرانی در دانشگاهها می پردازد.

در یک سفر نیز که عازم مشهد بود، در اتوبوس با مرحوم بدیع الزمان فروزانفر آشنا می شود. در یک بحث و گفتگوی علمی، استاد فروزانفر اعتماد علمی به ایشان پیدا می کند و از استاد برای تدریس در دانشگاه دعوت به عمل می آورد که استاد نمی پذیرد. استاد جعفری در طول حیات پربار خویش، صدها سخنرانی در مجامع مختلف علمی و دانشگاهی ایراد فرموده‌اند و شخصیت‌های علمی داخلی و خارجی بسیاری با ایشان مصاحبه و مکاتبه داشته‌اند که از آن جمله‌اند:

پروفسور روزنتال، دکتر کنت آلن لوتر، پروفسور یانگ، دکتر بدفورد، برتراند راسل، پروفسور مونتینی، پروفسور چارلز آدامز، پروفسور ماپر، پروفسور روزه گارودی، پروفسور هربرت، دکتر کورودا، الیزابت گاملین، دکتر هانس کورل، پال مارکس، کریستنی کاربو، اردین پار، رابین رایت و... استاد آثار متنوع و گرانبهای بسیاری را از خود به یادگار گذاشته‌اند که از آن جمله است: شرح نهج البلاغه، تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، از دریا به دریا، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن، تحقیقی در فلسفه علم، فلسفه زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، فلسفه دین، حیات معقول، بررسی و نقد نظریات هیوم، علم و دین در حیات معقول، منابع فقه، اخلاق و مذهب، طبیعت و ماورای طبیعت و...



پس از تحصیل در نزد اساتید فوق، استاد به تدریس خارج فقه و اصول، بویژه کتابهای مکاسب و کنایه می پردازد. در نجف قسمتی از تقریرات درس آیت الله خویی را با عنوان «أمر بین الأمرین» تحریر می کند و «مسائل رضاع» از درسهای آیت الله سید عبدالهادی شیرازی را نیز به نگارش در می آورد. جلد اول کتاب ارتباط انسان و جهان را در نجف تألیف می کند و جلد‌های دوم و سوم آن را سپس در مشهد به اتمام می رساند. در مجموع حدود یازده سال ایشان در نجف تحصیل می کنند.

در مدت اقامت در نجف، به تدریس فلسفه و معارف اسلامی نیز می پردازد. چنان که شهید آیت الله سید محمد باقر صدر مدت یک سال از درسهای ایشان بهره می گیرد.

پس از اتمام تحصیلات در حوزه نجف، در سال ۱۳۳۷ هـ.ش عازم ایران می شود. در قم به خدمت آیت الله بروجردی شرفیاب می شود. ایشان از استاد می خواهند تا در قم بماند و به تدریس بپردازد. چون آب قم با مزاج استاد سازگار نبود، عازم مشهد می شود و پس از یک سال اقامت در آنجا به تهران می آید و در مدرسه مروی به تدریس می پردازد.

آیات عظام شیخ محمد تقی آملی و سید احمد خوانساری نیز از ایشان می خواهند تا امامت جماعت مسجدی را بپذیرند، ولی

می شود. در این هنگام، یکی دو هفته از فوت آیات عظام شیخ محمد حسین اصفهانی - معروف به کمپانی - و آقا ضیاء عراقی می گذشت. در نجف به مدرسه صدر وارد می شود و یک بار دیگر جلد دوم کنایه را بحث و مطالعه می کند و سپس دروس خارج را شروع کرده و مقدار زیادی از باب طهارت و مکاسب محرّمه را نزد مرحوم آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی و حدود دو دوره اصول فقه را با ابوابی از فقه مانند مکاسب محرّمه نزد آیت الله آقای حاج سید ابوالقاسم خویی می خواند و برای مطالعه کتاب «صید و ذبائح» در دروس آیت الله آقای سید محمودی شرکت می کند. حدود یک سال و نیم از درسهای آیت الله حکیم، و قاعده فراغ و تجاوز را نیز از درس آیت الله سید جمال الدین گلپایگانی، و هفت سال از درسهای آیت الله سید عبدالهادی شیرازی بهره می برد، همچنین در درسهای فقه و اصول آیت الله میلانی شرکت می کند.

دروس فلسفه را نیز در بعضی از مباحث نزد آقا شیخ صدرا قفقازی و دروس فلسفی و عرفانی را از آقای شیخ مرتضی طالقانی فرا می گیرد و به مطالعه کتابهای علوم انسانی بویژه آثار فلسفی می پردازد؛ این کتابها از مصر و ایران و ترکیه و لبنان وارد نجف می شده است. به این وسیله، استاد با اندیشه‌ها و معارف شرق و غرب آشنا می شود.